

سواد وقفنامه مسجد و حمام دارالسلطنه تبریز

نویسنده: مرضیه مرتضوی^۱

چکیده:

سوای اسناد اصیل بی شماری که در مراکز آرشیوی و فرهنگی نگهداری می شوند، در میان نسخه های خطی نیز می توان به سواد (رونوشت) تعداد زیادی از اسناد تاریخی دست یافت که شاید امروزه حتی اثری از اصل برخی از آنها در میان نباشد. لذا گاهی سوادها به عنوان تنها مدارک بازمانده از وقایع گذشته می توانند در عرصه مطالعات تاریخی حائز اهمیت ویژه ای باشند. این نوشتار بر آن است تا ضمن بیان اهمیت و اعتبار سوادها از لحاظ اعتبار و ارزش تاریخی به معرفی سواد وقفنامه ای از عصر صفوی مربوط به وقف مسجد و حمام دارالسلطنه تبریز مندرج در نسخه خطی شماره ۳۸۴۶ از مولفی بی نام موجود در کتابخانه ملی ملک بپردازد. بر اساس این وقفنامه ملک محمود خان به تعمیر مسجد بزرگ تبریز و احداث حمام و وقف آن بر عامه مبادرت کرده است.

کلید واژه ها:

وقفنامه، کتابخانه ملی ملک، مسجد، حمام، دارالسلطنه تبریز، ملک محمود خان.

اسناد و مدارک تاریخی به عنوان مهم‌ترین منابع اطلاعاتی، حاوی انبوهی از اطلاعات غنی و دست اول در زمینه‌های مختلف تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی هستند که به محققان و پژوهشگران در بازسازی و روشن کردن زوایای تاریک بسیاری از مجهولات و مسائل مبتلابه جامعه ایران در سده‌های پیشین، کمک می‌کند. شمار زیادی از این اسناد به شکل اصیل و اولیه خود (کمتر به صورت رونوشت یا سواد) در آرشیوهای دولتی و خصوصی نگهداری می‌شوند. شماری نیز در مجموعه‌های خصوصی نزد افراد حقیقی قرار دارند. چه بسا در میان این اسناد، مواردی نادر یا کمیاب وجود داشته باشند که می‌توانند دستمایه‌های مناسبی برای محققان در عرصه مطالعات تاریخی قرار گیرند.

اگر چه انبوه بی‌شماری از اسناد تاریخی در تاراج زمان از میان رفته‌اند اما وجود تعداد زیادی از این اسناد در قالب اصل و سواد (رونوشت) در مراکز آرشیوی، موسسات فرهنگی و حتی نسخ خطی به محقق در ردیابی و تحلیل وقایع گذشته کمک شایان توجهی می‌نماید. در برخی نسخ خطی در قالب منشآت، جنگ‌ها، ترسل و ... نویسنده سواد از اصل اسناد دیوانی و یا شرعی را (و یا در صورت عدم وجود اصل سند از روی رونوشت موجود) به عنوان مصداقی متناسب با موضوع مورد نظر خود آورده است. در برخی نسخ مانند آموزش فن انشاء از این گونه سوادها به عنوان الگویی از نگارش انواع مختلفی از اسناد استفاده گردیده است. به هر صورت اهمیت سوادها را می‌توان در این امر دانست که ممکن است اصل سند یا اسناد مذکور در این نسخ خطی، بنا به دلایلی مفقود و یا از بین رفته باشند و امروزه امکان دسترسی به آنها را نداشته باشیم لذا نمی‌توان منکر اهمیت این دسته از متون شد.

از میان سوادهای متعدد موجود در نسخ خطی کتابخانه ملی ملک

بهین مقصود و بس الله اعلم نه و این کلمات شریفه ما خوشن و الفاظ نابندید و مستو
 در اول حسب المرحب ختم بالسرور و الطرب بر نشت عز و العسمت تحریفات
 بید و سنی سکن بسکن غر و نواتوا الی التمسک با ذیال عنایت الربانی علامه قاری علی بن
 احسن الله تعالی احوال و ختمه بالسعادة و العافیة سواد و وقف نامه جمیع کتب کتب
 دارالاسلامیه تشریح را بود و خواسته جدا و بی یک از آنرا غیر لطایف حمد و ثناء
 و صی ایست که نامحسوسه و انانی را اسرار است که بر سر این نماز عباد و وقفه و از جناب ای ائمه
 خلافت تطلعت قادری که از باب دولت و اصحاب عزت بنا قدم خیر است و تقدیم سر
 موقوف ساخته و از سوی فونزدی است و رابط علی و رفعت در جات کرد و سپه و دو کلاه
 مملکت زاکات و رویت نجات در فیات بر شتولی موقوفات کونین و مقربت
 قاب و قوسین بقطعه ای صغوف انبیا فی طلب خطاب قدری نغله و حیک
 فی السمار معترت بر ترفیف من بطع الرسول فقد بطع الله الی القاسم محمد الصطفی
 ترک فلک بنده هندوی او نه هر دو جهان وقف سرگرمی او ما و بر
 الی و عزت اطهار او که از یکان نبای مسابدین بسین و مصباح ایضاح
 سجد حق و یقین اندک بار هر سپهر خلافت و سپهر مهر امامت قاسمی
 محکم و قضا و قدر صاحب رسید البشر اخ الرسول و روج النبوی و سیف الله
 المسلول امام الاتم الاتقیب ابی الحسین علی المرتضی با و اما بعد
 بر بر امی حقایق آرای معارف نامی شرفیان و معارج توفیق و در قیام
 و مدارج تحقیق کسب تصویر یافت باشد که نبای زمین بر سر ای خود در دنیا
 محراب امامت و مقام استقامت نیست نه جهان امی هر کس که با دست
 زو سب و افاداری آید نیست نه و تقصیر رضی صمیم قاطع و مورد
 حق صریح ساطع ما عندکم نفی و امامت است و استحقاق انوار الانبیاء علیهم السلام

مؤسسه کماکانه

وقف میراث جویدان
 ۸۸ رضوان
 ۱۳۹۳

به سواد وقفنامه‌ای از مسجد و حمام دارالسلطنه تبریز مربوط به دوره سلطنت شاه طهماسب اول به تاریخ ۹۴۸ قمری برمی‌خوریم.^۲ بر اساس این وقفنامه ملک محمودخان^۳ برای طلب رضای حق و با وقف مصالح و پرداخت هزینه‌های لازم، به دست استاد حاجی صادق بیگ، به تعمیر و مرمت مسجد بزرگ تبریز که رو به ویرانی بود، مبادرت و سپس با ساخت حمامی در محله پس‌کوشک تبریز آن را وقف مردم این شهر کرد.

منظور از مسجد بزرگ در این متن، احتمالاً همان مسجد جامع کبیر تبریز است که سال‌ها و شاید قرن‌ها پیش از آن در تبریز ساخته شده است. در مورد تاریخ اولیه احداث این مسجد ذکر دقیقی در منابع نیامده است، اما از اشاره برخی منابع پیداست که این مسجد به دلیل قدمت آن در دوره‌های مختلف تاریخی مورد تعمیر قرار گرفته است. لازم به ذکر است که در بازنویسی، کلماتی که به شنگرف نوشته شده‌اند به صورت بولد شده و آیات و احادیث در داخل پرانتز مشخص گردیده‌اند.

سواد وقفنامه حمام و مسجد دارالسلطنه تبریز که بایر بود و حاجی صادق بیگ آن را تعمیر نمود

لطایف حمد موفور و صحایف شکر نامحضور دانایی را سزاست که بر سرائر ضمائر عبّاد واقف و از خبایای آفریده خلاق مطلع است، خالقی که ارباب دولت اصحاب عزّت را به اقدام خیرات و تقدیم مبرّات موقوف ساخته و آنرا وسیله فوز و نجات و رابطه علّو و رحمت درجات گردانیده و وظایف صلوات زاکیات و روایت تحیات وافیات بر متوّلی موقوفات کونین و مقربّ بارگاه قاب و قوسین مقتدای صفوف انبیاء

امثال برنج و دلال میسوی سر ز نقاب بگورم و در حجاب فنا ز دلال خرابم آورد
 آخورد رسم او هم و غایت دیار را در بار و شراب او سراب در عذب او عیب
 و محبت او قلقت محبت و عزت او عین عزت نه حال کار جهان حیالات
 نظری کن که این چه حالات است نه هر چه است اندرین جهان خراب
 نقش آن و زر گویند بن از آب نه بر یکی اگر گفته حسنی نه ز کوا و اورا بگویند
 می بینی نه کافه اولاد آدم بجا به انبار عالم را چون دارد آن سبیل از منزل
 رحیل عبور بلا رجوع ظهور فرود است پس عاقل خود مند و عالم را حربه کشی شد
 که خطام فاسد را بجا مکنش لایا و سبیل و حرجات و سترهای جنات آن جناتی
 پیانند و بر حسب او کساع من نبی الله مسجد امن نبی الله مسجد امن نبی الله
 و از پندار طرح عمارتی اندازد که شرفات مشوات آن بر قصه و قصه دار
 القرار سر علوه نه از نه امی دل اهل برای چهارا که دو حجت ه باور بهشت
 هر تو قصری با کنند نه و احمد که تو نفس حق احرار فریاد این حال رفتن در کجا
 حجت آن حضرت و نارت پناه دستور الوزر ای اسلام ملاذی انکار معاد
 فی بعضی صاحب الاخلاق الحسن الذی سمین الاکابر باللطیف و لعین الجود فی بجا الرکم
 عشی السحاب النقال للحرث و الاضلال منشا و آیات العز و الاقبال و نفس
 ملکه الطیاب و منته فیکر الا ارتعاب الموفق فی نصب ریایات الجود و الخیرات
 تهنیتی است الملك الدیان بها الملة و الورارة و السعادت و الدین مکتوب
 جان تا بقی رفع الله تعالی معارج الوزارة رفعة شان و سمو مکانه و
 روح روح و اله کشته که بر دقایق این صفت و صفاتی آن معلوم و معلوم
 که تمامه و عدل الی در ربیع الزمان شرق انقالت و روح و مال بجز خود الملل الی رفاق کعبه
 دنیا با آد سبیل تعریف با ساخته از جمله انانیر و انانیر و انانیر که مکتوب

مؤسسه فرهنگی
 دین و جهان

وقف میراث جوادان
 ۸۸ رضوان ۱۳۹۳
 ۱۳۳

مخاطب به خطاب (قد نری تقلبک و جهک فی السماء)^۴ معزز به تشریف (من یطع الرسول فقد اطاع الله)^۵ ابی القاسم محمد [ص]
 ترک فلک بنده هندوی او

هر دو جهان وقف سرکوی او

و بر آل و عترت اطهار او که ارکان بنای معابد دین مبین و مصباح ایضاح مساجد حق و یقینند سیما بر مهر سپهر خلافت سپهر مهر امامت قاضی محکمه قضا و قدر صاحب سرّ سیدالبشر اخ الرسول زوج البتول و سیف الله المسلول امام الامم الاتقیاء ابی الحسنین علی المرتضی باد، اما بعد بر رای حقایق آرای معارف نمای مشرقیان و معارج توفیق و مترفیان و مدارج تحقیق سمت تصویر یافته باشد که بنای زمین بر سرای غرور دنیا محل اقامت و مقام استقامت نیست

جهان ای پسر ملک جاوید نیست

ز دنیا وفاداری امید نیست^۶

و بر مقتضای نصّ صریح ساطع (ما عندکم ینفد و اما عندالله باق)^۷ آخر الامر نغایس عرایس اموال بر غنچ و دلال دنیوی سر در نقاب بقا نمود و عدم رو در حجاب فنا و زوال خواهد آورد، آخر درهم او هم و غایت دینار ادبار و شراب او سراب و عذب او عذاب و محنت او قلت محبت و عشرت او عین عسرتست
 حال و کار جهان خیالاتست

نظری کن این چه حالاتست

هر چه هست اندرین جهان خراب

نقش آن واژگونه بین از آب

بر یکی آنکه گفته حسنی

ز آنکه او را به خواب می بینی^۸

و کافه اولاد آدم به عامه ابناء عالم را چون دارد آن سبیل از منزل رحیل، عبور بلا رجوع ضرورتست پس عاقل خردمند و عالم ارجمند کسی باشد که حطام فنا

واقعت در دار السلطنة تریبار و عاقل گشته و در بیانده ام نماده و از رفائی نزد آن
 و در آنجا مشاهده و حضرت شارا لیه از خالص مال خود قره الی الله تعالی تعمیر و تجدید
 الف نموده و در ترویج و ترویج و ترویج آن عایت جبه و سعی مبدول فرموده و الحال ایست
 به تمام خیر انجام آنحضرت مسجیت که از رفعت و صفای آن ملک با مضامین و کلمات
 مباحات حاصلت و از زینت و بهایت المعمور را همانا از نسیم سووی آن تعالی بکنیم
 سووی سب و از شمیم صفای آن روایح عنبرینت رایج کنند آن مرفوع مرصوص و
 طاقاتش اخبار مخصوص حد و دشمن متصل به از اسلام ابوالش مفتوح بر اهل اسلام و
 از عایت رفعت و شوکانه هو سجده طراهم و از جمله سو قوفات مصالح مسجد مذکور بود حمام
 واقع در محله کهن سنگ است یعنی از تخته یک لغایه الشرفه فی محله و حمام مذکور بود و لو بریز که
 از مس است فرموده نهایت سعی و اهتمام و عایت توجیه بالا کلام در عمارت آن
 مبدول فرموده چنانکه جمیع عمارت با تمام حضرت شارا لیه واقع شده و اکنون بین
 توجیه آنحضرت حمام مذکور بخاریخانه چین بگذر سنگ خلد برین است سایر حمامات از
 محلات صفاد با کتبی آن عرق عرق گشته در جاجات در نظاره نفاقت و نظارت
 آن هزار دیدت متفرق شده و عین جنات از حیاض آن معوض و حور لوط
 و هزار آن متفرق اند و بعد از تمام انجام آن وقف نمود حضرت شارا لیه
 بالصفحات المعرفه فی التزیین المنوره المذهب عمارت حمام مذکور بر استوار
 بر مصالح مسجد مذکور قره الی الله تعالی و طلبا لرهبانه وقف صحیح شرعی
 محله موبد متصل الاست بداره الانتهای الی ان ریث الله الاخرین من حلهما
 خیر الودریق فی ثمان اربعین ستحمایه آزادانه است و بهای از از جهان احمد
 یکمتر غلام مندی الاست وسط القامه بین السواد والعیاش السیمی است و بهادر که بطریق
 اقباع از بولوی شش فیه خوان جنب تعلی خبر سید کرده بود و بهای از از بولوی شش فیه خوان جنب تعلی خبر سید کرده بود و بهای از از بولوی شش فیه خوان جنب تعلی خبر سید کرده بود

مونسه کما یحانه

وقف میراث جویدان
 ۱۳۹۲
 ۸۸ مسکن
 ۱۳۹۳

سرانجام فانی را وسیله درجات و سرمایه حسنات آن جهانی بسازد و برحسب اوضاع (من بَنَى اللهُ مَسْجِدًا مِنْ بَنِي اللهِ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ)^۹ در این دار بی مدار طرح عمارتی اندازد که شرفات مثوبات آن بر قصور مقصور دارالقرار سر علو افزاد

ای دل بهل سرای جهان را که دوزخست

تا در بهشت بهر تو قصری بنا کند
والحمد لله که توفیق احرار فوائد این حال رفیق روزگار خجسته آثار
حضرت وزارت پناه دستور الوزرای اسلام ملاذی، اکابر معادنی، صاحب
اخلاق الجمیل الذی هو البین الاکابر باللطف والیقین الجود فی بحارالکرام
منشی السحاب الثقال للخیرات والافضال منشاء آیات العز والاقبال له
نفس مالکه الطباع و همه فلكیة الارتفاع الموفق فی نصب رایات الجود
والخیرات بتوفیق الله الملك الدیان نجباء الملة والوزارة والسعادة والدین
ملك محمود خان سابقی رفع الله تعالی معارج الوزارة رفعه شأنه و
سمو مکانه و روح والده گشته که بر دقایق این صورت و حقایق آن
معانی واقف شده و معلوم نموده که جاه و جلال این دار سریع الزوال بر
شرف انتقال است و مرجع و مال همه به حضرت ذوالجلال... زخارف
بی مقدار دنیای فانی را وسیله تقرّب ربّانی ساخته و از جمله آثار خیر و
احسان آن حضرت که شمه تحقّق وجود یافته آنست که مسجد کبیری
که واقعت در دارالسلطنه تبریز بایر و عاطل گشته و رو به انهدام نهاده
و از فیافی زوال و فنا درها گشاده و حضرت مشارالیه از خالص مال
خود قربۀ الی الله تعالی تعمیر و تجدید آن نموده و در ترویج و تنسیق
آن غایت جهد و سعی مبذول فرموده والحال به میامن اهتمام خیر انجام
آن حضرت، مسجدی است که از رفعت و صفای آن فلک را مضاهات^{۱۰}
و ملک را مباهات حاصلست و از نزهت و بها بیت المعمور را مماثل از

نسیم هوای آن نفایح مشک نسیم سفیق فسایح و از شمیم صفای آن روایح
 عنبر فستق رایح کنند آن مرفوع مرصوص و ملاقاتش احزاب مخصوص
 حدودش متصل به دارالسّلام ابوابش مفتوح بر اهل اسلام و از غایت
 زینت و غلّو، کانهو مسجدالحرام و از جمله موقوفات مصالح مسجد
 مذکور بود حمام واقع در محله پس کوشک مستغنی از تحدید لغایة
 الشهرة فی محله و حمام مذکور نمود و لویر^{۱۱} بزرگ و کوچک از مسّ
 انشاء فرمود نهایت سعی و اهتمام و غایت توجه مالا کلاماً در عمارت
 آن مبذول فرموده چنانکه جمیع عمارات به اهتمام حضرت مشارالیه واقع
 شده و اکنون همین توجه آن حضرت حمام مذکور نگارخانه چین بلکه
 رشک خلد برین است سایر حمامات از خجالت از صفا و پاکیزگی ان
 غرق عرق گشته و زجاجات در نظاره نظافت [کذا] و لطافت آن به هزار
 دیده مستغرق شده و عین جنات از حیاض آن معترف و حورا به لطافت
 و بهار آن متعرفند و بعد از اتمام و انجام آن وقف نمود حضرت مشارالیه
 حالیه بالصفحات المعتبره فی الشریفة المنورة المقدسه عمارت حمام
 مذکور را به دستور بر مصالح مسجد مذکور قریة الی الله تعالی و طلباً
 لمرضاته وقف صحیح شرعی منحلّد موید متصل الابتداء والانتهاء الی ان
 یرث الله الارض و من علیها و هو خیر الوارثین فی ثمان اربعین وتسعمائه

وقف عمارت جوبدان

شماره ۸۸ زمستان ۱۳۹۳

پی نوشت ها:

۱. دانشجوی دکترای تاریخ ایران دوره اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی.
۲. نسخه شماره ۳۸۴۶/۸۳، قرن ۱۱ ق، ۲۲۵ برگ، کاغذ ترمه، خط نستعلیق، نویسنده نامعلوم.
۳. متأسفانه اطلاعاتی از ملک محمود خان به دست نیامد.
۴. آیه ۱۴۴ سوره بقره: نگرستنت را به اطراف آسمان می بینیم.
۵. آیه ۸۰ سوره نساء: کسی که متابعت حضرت رسول را کرده باشد به تحقیق خدا را اطاعت کرده است.
۶. بوستان سعدی.
۷. آیه ۹۶ سوره نحل: آنچه نزد شماست فنا می شود و آنچه نزد خداست ماندنی است.
۸. جام جم اوحدی مراغه‌ای.
۹. حدیث امام صادق علیه السلام: هر کس مسجدی بسازد، خداوند خانه‌ای در بهشت برای او می‌سازد. (وسایل الشیعه، ج ۸۶، ص ۴۸۵).
۱۰. مضاعات: شباهت داشتن.
۱۱. لویر: پیش آمدگی زمین در کنارۀ گودال، پشته.